

بر اساس قوانین مجلس مذاکره کنید؛ نه چیز دیگر

صفحه ۲



فاز تازه تجمعات دانشجویی علیه قانون سنوات

صفحه ۴

تئیه‌های امروز

سیف در اتریش:

آمریکا شفاف عمل نمی‌کند

■ آمریکا با یک طرف ادعا می‌کند بانک‌ها می‌توانند با ایران کار کنند از یک طرف تهدید می‌کنند

■ قبل از تحریم، مأموران دولت آمریکا به کشورهای مختلف می‌رفتند و بانک‌ها را رسماً مورد به مورد و تک تک تهدید می‌کردند که اگر با ایران همکاری نکنند مجازات‌های سختی برای آنها در پیش خواهند گرفت ولی اکنون انتظار دارند با یک بیانیه ساده همه چیز حل شود

صفحه ۳

سرلشکر فیروزآبادی:

عربستان در حدی نیست که ایران را تهدید کند

صفحه ۲

نامه احمدی نژاد به رهبر انقلاب

برنامه‌ای برای حضور در انتخابات ندارم

صفحه ۲

حذف یاران نقدی با دستور جدید

صفحه ۳

دانشگاه

نقش تشکل‌ها

در مقابله با قانون سنوات

■ رضا نجابت *

آغاز سال تحصیلی، امسال در دانشگاه‌ها رنگ و بویی متفاوت گرفته است و دانشگاه‌ها شاهد تحصن‌های گسترده دانشجویی هستند. این اعتراضات صنفی دانشجویان اغلب در دانشگاه‌های مادر کشور و در اعتراض به قانون «سنوات آموزشی» شکل گرفته است. اما اصل ماجرا چیست؟ براساس ماده ۱۵ آیین‌نامه تحصیل در دوره‌های کارشناسی وزارت علوم، سنوات مجاز تحصیل در مقطع کارشناسی پیوسته ۴ سال است که بنا بر تشخیص دانشگاه، می‌تواند تا ۲ نیم‌سال افزایش یابد. در ماده ۱۳ آیین‌نامه مصوب سال ۹۱ هیات امنای دانشگاه شریف هم آمده است که حداکثر مدت مجاز تحصیل در دوره‌های کاردانی و کارشناسی ناپیوسته ۵ سال و در دوره کارشناسی پیوسته ۵ سال است. اما به نظر می‌رسد این آیین‌نامه در برخی دانشگاه‌ها نظیر دانشگاه صنعتی شریف با تربیت مدرس نقض شده است، چرا که به طور مثال دانشجویان مقطع کارشناسی که قصد ثبت‌نام در ترم نهم تحصیل خود را داشته باشند با جریمه‌هایی نظیر کاهش نمره، اخذ شهریه و... روبه‌رو می‌شوند. برابر آیین‌نامه تحصیل در دوره‌های کارشناسی ارشد نیز دانشجویان تا ۵ ترم می‌توانند بدون هیچ مانعی به تحصیل بپردازند.

به نظر می‌رسد این تصمیم وزارت علوم و دانشگاه‌ها کارشناسی شده نیست. کسانی که اندکی آشنایی با نظام آموزشی دانشگاهی ایران دارند می‌دانند ۹ ترمه شدن در کارشناسی و همچنین ۵ ترمه شدن در کارشناسی ارشد امری طبیعی است. برای مثال دانشجوی مقطع کارشناسی ارشدی را در نظر بگیرید که در رشته جامعه‌شناسی در یکی از دانشگاه‌های کشور قبول شده و رشته کارشناسی وی علوم سیاسی بوده است، در این حالت این دانشجو باید علاوه بر گذراندن ۳۳ واحد درس اصلی مقطع کارشناسی ارشد، ۱۰ واحد نیز به عنوان پیش‌نیاز بگذراند. طبیعی است گذراندن ۴۲ واحد درسی زمان زمان زیادی می‌گیرد و از سوی دیگر دانشجوی تنها زمانی می‌تواند از پایان‌نامه خود دفاع کند که حداقل ۶ ماه از تصویب و تایید پروپوزال وی گذشته باشد. حال تصور کنید یک دانشجوی نخبه با سطح مطالعات مطلوب نیز در طی کردن ۴ ترمه مقطع کارشناسی ارشد...

ادامه در صفحه ۵

رعایت حال هیلاری را کردم

دو نالد ترامپ: پیشتازی نامزد جمهوری خواهان در اغلب نظرسنجی‌های بعد از نخستین مناظره انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا



هیلاری کلینتون:

هسته‌ای ایران را تخته کردیم

صفحات ۱۵ و ۲

از قضا سخنی با شجریان

همین قصد را داشت؟! یا ضمن سوءاستفاده از جایگاه شتم، مسبب بعضی دورافتادگی‌ها شدند؟! آیا شما را برای همه خواستن بد بود، یا اتفاقاً این بد بود که شما را برارنده هزینه کنند برای دشمن همه این مردم؟! آیا حیف آن «نوا» نبود که مصاحبه با «صدای دشمن» کند؟! آن هم با آن محتوا؟! آیا حیف آن «رینا» نبود که برود اباطیل «رسانه‌های کدخد» را - باپور کرد؟! شما به واسطه بعضی شیطنت‌ها، دروغ بزرگ دشمنی را باور کردید که این روزها حتی کدخدانشمارند گانش هم گله‌های بلندبالا از بدعهدی و عدم صدق او دارند! واقعاً علت چیست که از هم دور افتاده‌ایم؟! علت گمانم آن است که فتنه حتی برای شما هم «قشقه» کشیده بود! نقشه جدیدی! نقشه دورافتادگی! که به جای اجماع بر سر صدای آمریکا، دعوا باشد روی موضع سیاسی شما! آقای شجریان! سرکشی من به آرشو روزنامه، اصلش به مقصد دیگری بود لیکن مشاهده «زم دور افتادیم» شما را گرفتیم به فال نیکا و از نوشتن مد نظر خود گذشتیم، بلکه بعد از دورانی دورافتادگی، ناظر بر تحبیب قلوب، چند کلامی با شما سخن گفته باشم!

قطع به یقین ما مثل آن نامزد انتخابات نیستیم که از صدای شما، برای خودمان خرج کنیم! مجلس کلام! همه باید برگردیم به «رینا» همه از خداییم، به سوی خدا برویم! رینا لاترغ قولیونا... خدایا! دل‌های ما را به باطل میل مده، پس از آنکه به حق هدایت فرمودی، و به ما از لطف خویش اجر کامل عطا فرما که همانا تویی بخشاینده بی‌منت.

محترم جمهور، آمریکا بدعهدی می‌کند، باید دست از پا درازتر به التماس بیفتیم و طبیعتاً چون بنشدت به نتایج عمل آمریکا به تعهداتش نیازمندیم و روی آن حساب ویژه باز کرده‌ایم، فروتنانه باید به هر سازی که می‌زنند برقصیم و از آنها بخواهیم برای بازنگشتن تندرروها! به قدرت هم که شده است، بیایند و به تعهدات‌شان عمل کنند! حالا باید از جناب رئیس‌جمهور مدعی حقوق‌شان بودن که وقتی طرف مقابل مبتنی بر سند مکتوب و امضا شده و منگوله‌دارش عمل نمی‌کند، جلوی دوربین تلویزیونی حاضر می‌شود و می‌گوید از آمریکایی‌ها قول گرفته‌ایم که بدعهدی‌ها را جبران کنند، پرسید کسی که به سندش عمل نکرده به حرفش عمل می‌کند؟! پیش‌تر در این جریده نوشته بودم که رفتار دولت بازدهم در سیاست خارج اصطلاح کلیه مسلکی افراطی است و نتیجه این سیاست چیزی غیر از حرف پشت حرف نیست، یک روز «چرا عمل نمی‌کنید» و یک روز «خواهش می‌کنیم عمل کنید» که طبق آنچه گفتیم نتیجه هر دوی آن هم معلوم است!

هنری و «عناصر سیاسی» و لذا کی و کجا خرده بر مثلا استاد مشایخی گرفته‌ایم که چرا فتنه را عینا مثل جوانان انقلابی محکوم نکرده‌اند؟! باورم هست در آن مقطع، اشتباه بزرگی مرتکب شدند آقای شجریان! و ان‌شاءالله که ناخواسته! عاقبت، جمع و جماعتی را از خود رنجاندند که در منازعات دهه شصتی، کم در مقام دفاع از موسیقی سنتی و اصحاب بلند نشده بودند! طرفه حکایت اینجا بود؛ همان‌ها که پیش از این، حتی از در تمسخر هم بلند شده بودند و «هاهاهاها» می‌کردند و همان‌ها که در مواجهه با موسیقی مبتذل و موسیقی غربی، سدام به من و ما بد و بیراه می‌گفتند، ناگهان شدند مرید شجریان! ضمن طلب شفای عاجل برای ایشان، از خواننده «ای ایران، ای سرای امید» می‌پرسم ما شما را برای چه می‌خواستیم، سینه‌چاکان سیاست منهای صداقت، شما را برای چه می‌خواستند؟! آیا جز این است که ما شما را، نه برای مطامع سیاسی، که تنها و تنها برای همه مردم می‌خواستیم؟! و می‌خواهیم؟! مگر «رینا»ی حضرتعالی در خط جناح مورد علاقه ما در میدان سیاست بود؟! در خط خدا بود ان‌شاءالله! ما نمی‌خواستیم شما را با نیزنگ، تنها به یک رنگ خاص درآورند، بلکه می‌خواستیم حکایت خسرو شکیبایی هر رنگی و هر طیفی و هر طایفای، شما را دوست داشته باشند. آری! حکایت خسرو شکیبایی! لیکن آیا جریان «شجریان‌اولی» هم

از «چرا عمل نمی‌کنید» تا «خواهش می‌کنیم عمل کنید»

کسی که برای جان آنها هیچ ارزشی قائل نیست، اهمیتی دارد؟! خلاصه اینکه شما هم اگر در زندگی عادی خود از این نوع معاملات انجام بدهید در آخر کار مجبورید برای گرفتن حق خود به التماس و خواهش بیفتید. اگر بدون پیش‌بینی یک سازکار قیقین برای مبادله اقدام به انجام تعهدات‌تان کنید آن وقت طرف مقابل است که در موضعی قرار می‌گیرد که آنچه را می‌خواسته به‌دست آورده و اگر کمی بی‌وجدان باشد و براحستی می‌تواند به تعهداتش عمل نکند؛ مثل اینکه خانه خود را به کسی بفروشید و قبل از دریافت وجه معامله سند خانه خود را به نام خریدار منتقل کنید! برجام به سادگی معامله‌ای اینچنینی است. ما به تعهدات غیرقابل بازگشت خود نعل به نعل عمل کرده‌ایم و اکنون منتظر مسافری ایران و کشتن سر نشینانش را داریم، از ایجاد بی‌اعتمادی گسترده‌تر ملت ایران از او بترساند؟! آیا اعتماد ملت ایران و لبخندشان برای

ثانیا برای همه می‌خواند؛ نه برای خوشایند تنها فلان گروه! دقت شود! داریم درباره یک «چهره هنری» حرف می‌زنیم، نه یک «عناصر سیاسی»! جناب پروفیسور سمیعی عنصر سیاسی نیست، پس چه پاک اگر ایشان را همه آحاد ملت دوست داشته باشند؟! مثال از این دست بسیار است! جناب استاد فرشچیان! یا بازیگر توانمند عرصه سینما، علی نصیریان! این عزیزان را همه ملت، صرف‌نظر از اختلاف سلیقه و عقیده، دوست می‌دارند، چرا که «چهره فراگیر» محسوب می‌شوند! و صلاصتبه خود ایشان مراقب هستند که همچنان اینگونه باقی بمانند! از این رو وارد «سیاست‌بازی» نمی‌شوند! این عدم ورود، قطعاً به معنای «تزه‌طلبی» نیست! و ناظر بر وحدت کلمه آحاد ملت، اتفاقاً بد هم نیست چهره‌هایی همه‌پسند داشته باشم! چهره‌هایی محبوب هم من، و هم آن روزنامه‌نگار مخالف خط من!

سال ۸۸ امثال من هرگز از شجریان متوقع نبودیم که چون روزگاری «دود عود» گوش می‌دادیم و علاوه بر این، دفاع هم از امثال او می‌کردیم، ایشان هم من‌باب جبران، به صحنه بیایند و موضع کذا اتخاذ کنند لیکن متوقع این هم نبودیم که به واسطه شماری از افراد سوءاستفاده‌چی، به ورطه همراهی و همدادی با دشمن تمام این مرز و بوم بیفتند! ما با فهم دقیق ماجرا، از قضا قائل بودیم به فرق میان «چهره‌های

فرهنگ

حسین قدیانی: سپیدهدم دیروز که در جستجوی متنی قدیمی از آرشو سایت «وطن امروز»، ناگهان چشمم به مصاحبه با شجریان افتاد، مرغ سحر ناله سر کرد و داغ مرا تازه‌تر کرد؛ «از هم دور افتادیم!» این سخن اما بیش از آنکه تیرت یک آن روز ما باشد، گله خود ایشان بود از روزگاری و شکایت از جدایی! القصه! رفته به روزهای دور! دورتر! دهه ۶۰ و آن شب‌هایی که با کاست شجریان سپری می‌شد! در آن ضبط‌صوت قدیمی! شب‌هایی که شجریان گوش می‌دادیم و تازه صبح، اول دعوا بود! دعوا که هم غربی! اساساً جامعه متدینی که انسی با موسیقی داشت، عمدتاً شجریان و ناظری و از این دست گوش می‌داد! و این علاقه آنقدر عمیق بود که حتی اصحاب موسیقی سنتی را در منازعات موسیقایی دهه ۶۰ تنها نگذار!

فی‌الحال سوال! آیا من و ما که آن روزها، این همه از سنتی‌خوانان در برابر حامیان موسیقی عاری از ادب و خالی از هنر «ای قشنگ‌تر از پریا» یا سینه‌چاکان موسیقی غربی دفاع می‌کردیم، من‌باب این بود که شجریان مثلاً موضع سیاسی مطابق با جریان مورد علاقه ما اتخاذ می‌کرد؟! قطعاً نه! نه خودش، به این معنی سیاسی بود و نه ما او را برای این معنی می‌خواستیم! قصه این بود که اولاً شجریان، موسیقی را اصیل و سنتی اجرا می‌کرد،

روزنه

امیر استکی: در جریان حضور رئیس‌جمهور در نیویورک، محمدجواد ظریف در جمع شورای روابط خارجی آمریکا حاضر شد. در این نشست وی به صحبت پیرامون توافق هسته‌ای و شرایط پس از آن پرداخت و به نوعی سسر درد دل را با آمریکایی‌ها باز کرد که ای آقا! چرا در مسیر تعاملات کشورهای اروپایی و بانک‌های‌شان با ایران سنگ می‌اندازید و چرا به تعهدات‌تان عمل نمی‌کنید. ظریف در این نشست تاکید کرد «آمریکایی‌ها روی کاغذ به تعهدات‌شان پایبند هستند ولی در عمل به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که گره‌های بوجود آمده با تحریم‌ها کماکان باز نشده باقی مانده‌اند». وزرای آمریکایی و دست‌اندرکاران این کشور با رایزنی با کشورهای اروپایی و بانک‌های اصلی‌شان کماکان آنها را در ترس نسبت به ایجاد روابط مالی با ایران نگه می‌دارند. ظریف در آنجا اشاره کرده است که درصد بیشتری از مردم ایران نسبت به آمریکا بی‌اعتماد شده‌اند و خلاصه اینکه به عبارت دیگر هنوز چیز خاصی گیر ایرانیان نیامده است.

یادداشت امروز

اطلاعات بی‌دفاع!

■ دکتر زهرا طباحی ■

مهم‌ترین هدف همه سرویس‌های جاسوسی جهان از تمرکز بر دیگر جوامع و کشورها، کسب اطلاعات دقیق و تصمیم‌سازی بر مبنای آن است. جاسوس، شبکه جاسوسی یا عوامل سرویس‌دهنده به تشکیلات امنیتی کشورها و دولت‌های مختلف موظفند ۵ سری اطلاعات را پیرامون سوژه مورد نظر جمع‌آوری کنند. این داده‌ها شامل اطلاعات «هویتی»، «ارتباطی»، «مالی»، «قلمتی» و «تردد» است. با تکمیل بخش‌های مختلف پیرامون سوژه‌ها، دستگاه امنیتی «شرف‌اف اطلاعاتی» خود را به حداکثر رسانده و به واسطه آن اقدام به طراحی تحولات و رویدادهای آینده با تاثیرگذاری بر شرایط می‌کند.

■ مدیریت آینده

به طور مثال وقتی با اطلاعات به‌دست آمده از عوامل میدانی، دریافت که فلان مدیر جمهوری اسلامی ایران، دقیقاً با چه کسانی در مسیر تحصیل و اشتغال خود مرتبط بوده و متوجه شد هزینه زندگی را چگونه تامین می‌کند، می‌تواند با تکیه بر نقشه کلی به‌دست آمده، برای آینده سوژه برنامه‌ریزی کند. فرضاً برای ایجاد تغییر جهت در مسیر تصمیم‌سازی‌های وی، از عوامل نفوذی خود که در لیست مرتبطان هستند استفاده کند، نیازسنجی مالی کرده و طمع فرد مورد نظر را برای همکاری تحریک کند یا در صورت عدم همکاری سوژه، وارد فاز «مقابله» شود. بخش مهمی از فاز مقابله، شامل تهدید و ارباب فرد مورد نظر به واسطه «شرف‌اف اطلاعاتی» بر سبک زندگی و موقعیت شغلی او است. به طور مثال «فشای هویت» یک مدیر عالی‌رتبه وزارت اطلاعات یا مسیره‌های ارتباطی یک قاضی، تاثیر بسیار جدی بر زندگی وی می‌گذارد و اختیارات شغلی‌اش را تا حد زیادی به واسطه تبدیل شدن به «مهره سوخته» محدود می‌کند.

اگر خنثی‌سازی سوژه خادم به سیستم، با تهدید و ارباب و تحریک طمع مالی و تاثیرپذیری از عوامل نفوذی موفق نباشد، قدم آخر اقدام برای حذف فیزیکی یا ترور است، هر چند در این میانه ممکن است مانند آنچه بعضاً در برخی نقاط جهان شاهدش هستیم، ترور نامحسوس و ایجاد حوادث ساختگی برای نزدیکان خانواده فرد مورد نظر ابتدا در دستور کار گیرد تا اصطلاحاً در بحبوحه «فروپاشی روانی» امکانات لازم برای نفوذ در سوژه پدیدار شود.

■ اصالت و مرز افشاکاری

اما دسترسی به «اطلاعات» به معنای عام کلمه، منافعی اجتماعی نیز در پی دارد. به طور مثال فراهم‌سازی امکان دسترسی مردم به داده‌های اقتصادی، فضای «ظلمات مسؤولانه» جامعه بر حاکمیت را به وجود می‌آورد. نظارت مردم بر نظامات مختلف اقتصادی و سیاسی، علاوه بر کاهش هزینه‌های حاکمیت در مواجهه با فساد اداری، امکانات نظارتی را هم به واسطه افزایش انبوه چشم‌های ناظر بر سیستم، شدت افزایش می‌دهد. پس لازم است مرزی میان اطلاعات محرمانه و داده‌های منجر به شفافیت اقتصادی ایجاد کنیم.

در همه نظامات غربی و شرقی، مرز مذکور به رسمیت شناخته می‌شود. در غرب با قوانین «حریم خصوصی»، «حقوق شهروندی» و سیستم‌های «طبقه‌بندی داده‌ها» جریان آزاد اطلاعات هدایت و صیانت می‌شود و در ایران با قوانین اسلامی مرزها مشخص می‌شود.

■ مناقبین با اعمال طلبان؟

یکی راه خوب تشخیص افتراقی «هدف مجازی، اطلاعاتی را پیرامون زندگی مسؤولان قضایی و امنیتی کشور منتشر کرده که فارغ از امکانات مردم برای تشخیص صحت داده‌های ارائه شده، حرکتی در مسیر ایجاد «شفافیت اقتصادی» نیز به شمار نمی‌رود.

این موضوعی است که تفاوت تحركات جریان «ففاق» و حامیان برپاداری «عدالت اسلامی» را مشخص می‌کند، چرا که مطابق مانیفست مناقبین «هدف وسیله را توجیه می‌کند» و «داده‌های اطلاعاتی» صرفاً برای «باجگیری سیاسی» است که جمع‌آوری می‌شود!

یک راه خوب تشخیص افتراقی «هدف افشاکاری»، تمرکز بر رفتارهای پیرامونی و جریان‌شناسی است. ارائه اطلاعات با هدف ایجاد شفافیت اقتصادی و مبارزه با فساد، با پیگیری موضوع در بعد ساختارسازی حاکمیتی برای جلوگیری از وقوع موارد مشابه در آینده همراه است.

ادامه در صفحه ۵